

نامه جامعه  
فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی  
سال چهاردهم - شماره ۱۲۱ - بهار ۱۳۹۶

## سیره حضرت زهرا علیها السلام در تربیت فرزند

سیده زهرا موسوی<sup>۱</sup>

### چکیده

تربیت فرزندی که دارای شخصیتی سالم و باثبات بوده و در آینده بتواند در جامعه نقش پیش برنده و مفیدی ایفا کند، از مهم ترین دغدغه های والدین و برنامه اساسی خانواده است. روشن است که دستیابی به این مهم نیازمند الگویی قابل اطمینان و تضمینی است، به گونه ای که ضمن سازگاری با شرایط روحی و جسمی کودک، نتیجه خوب و مناسبی را نیز به همراه داشته باشد. برای رسیدن به چنین الگوی تربیتی بهترین و نزدیک ترین راه، استفاده از سرچشمه وحی و خاندان پاک عصمت و طهارت علیهم السلام است. از این رو این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی سیره حضرت زهرا علیها السلام در کتب روایی اختصاص یافته است. آنچه از این پژوهش می توان دریافت این است که حضرت زهرا علیها السلام در روش تربیتی خود به نیازهای مادی و معنوی فرزندان توجه داشته و به تربیت در دو بعد مادی و معنوی اهتمام ورزیده اند؛ چرا که در تربیت کودک نه تنها جسم، بلکه سایر ابعاد عبادی، عاطفی و اعتقادی و... فرزندان باید مورد توجه قرار گیرد و نقطه آغاز دامن مادر است.

**واژگان کلیدی:** حضرت زهرا علیها السلام، سبک زندگی، تربیت، فرزند پروری.

۱. سطح سه تعلیم و تربیت، پژوهشگر گروه اخلاق و تربیت جامعه الزهرا علیها السلام tobazm@gmail.com

تایید: ۹۶/۳/۱۱

دریافت: ۹۵/۱۱/۱

## مقدمه

تربیت فرزند از مهمترین مقولات مطرح در جامعه انسانی بوده و دست یافتن به شیوه‌های صحیح و موثر تربیت نیز به تبع آن دارای اهمیت بالایی است. در این زمینه کتاب‌ها و مقالات بسیاری نگاشته شده و تحقیقات زیادی انجام شده است، اما نکته قابل توجه این است که هر کدام از این نظریات براساس یک دیدگاه و فرهنگ خاص صورت گرفته است و قابل استفاده برای همه افراد با افکار و عقاید و فرهنگ‌های مختلف نیست. در واقع اتخاذ یک شیوه تربیتی که بدون کاستی باشد و برای تمام فرهنگ‌ها و سلیق قابل قبول باشد، کار چندان ساده‌ای نخواهد بود. دستیابی به یک روش تربیتی صحیح و بدون اشکال، تنها زمانی امکان پذیر است که هماهنگ با اصول و قوانین حاکم بر طبع بشر باشد و با توجه به نیازهای او شکل گرفته باشد. روشن است که بشر به تنهایی برای رسیدن به چنین مرحله‌ای سال‌های سال باید به آزمون و خطا نماید که در آخر نیز نمی‌توان نتیجه را با یقین و بدون اشکال اعلام کرد، زیرا ممکن است در سال‌های بعد مواردی پیدا شود که ناقض نتیجه به دست آمده باشد. همان‌گونه که بسیاری از دستاوردهای بشر در طول تاریخ زیر سوال رفته و اشتباه بودن آن، بعد از سال‌ها آشکار شده است. شاید پیمودن این مسیر در اموری همچون اقتصاد و صنعت چندان اهمیت نداشته باشد و راه آزمون و خطا، روش قابل قبولی باشد، اما مسأله تربیت فرزند بسیار بااهمیت است و باید با کم‌ترین خطا و بهترین نتیجه همراه باشد، از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «لَا نَبِيَّ بَعْدَ مُحَمَّدٍ وَأُولُو الْأَرْحَامِ أَقْرَبُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۶۷)؛ «هر یک از شما که به تربیت فرزندش پردازد، بهتر است از این که روزی یک و نیم کیلوگرم طعام صدقه بدهد». این روایت نشان می‌دهد که تربیت از اموری است که در نزد خداوند محبوب بوده و ارزش آن بالاتر از امور مستحبی مانند صدقه است، زیرا اگر انسان بتواند فرزندی صالح را تربیت کند، اثر ماندگاری می‌شود که تمام خیرات او برای جامعه و والدینش نیز ثبت می‌شود. همان‌گونه که امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَثَابٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ مُعَاقِبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ.» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۲۷)؛ «تو (ای پدر و مادر) درباره تربیت فرزند خویش و هدایت او به سوی پروردگار و کمک به او در اطاعت پروردگار، مسؤول هستی. پس به این وظیفه مانند کسی عمل

کن که می‌داند اگر به فرزندش نیکی کند، ثواب آن را می‌بیند و اگر بدی کند عذاب خواهد شد». از سوی دیگر چون آینده جامعه در دستان کودکان امروز است، پرورش انسان‌های پاک، زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای سالم و الهی است که امید می‌رود در آن انسان‌ها به رشد و تعالی بیشتری دست یابند. زمانی که کودکان تربیت یافته در بزرگسالی انسان‌هایی باصلاحیت، توانمند و کارا می‌شوند، با توجه به ریشه‌های تربیتی خود، در رأس هر کاری قرار بگیرند، سلامت و اطمینان در آنجا بیشتر خواهد بود. از این رو برای رسیدن به آینده‌ای بهتر باید به تربیت نسل آینده نیز بیشتر توجه کرد. چنان که امام حسین علیه السلام به فرزندان خود می‌فرمود: «إتکم صغار قوم و یوشک أن تکونوا کبار قوم آخرین. فتعلموا العلم؛ (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۸)؛ شما اکنون نونهالان ما هستید، ولی در آینده بزرگان قومی دیگر خواهید شد و پس علم بیاموزید». امام حسین علیه السلام با این کلام به فرزندان خود اهمیت تعلیم و تربیت را گوشزد می‌کند و آن‌ها را برای رسیدن به جایگاه بهتر و آماده شدن برای آینده تشویق می‌کند.

۱۰۵

نامه جامع

بهترین راه برای رسیدن به شیوه‌های تربیتی که مطابق با دستورات الهی و روح و روان انسان است، الگوگیری از روش‌هایی است که حضرات معصومین علیهم السلام در زندگی خود به کار می‌بستند و در تعامل با فرزندان خود از آن‌ها بهره می‌جستند. از آنجا که معصومین علیهم السلام از هر خطایی دور هستند، قابل اعتماد می‌باشند و دیگر اینکه آن‌ها با تکیه بر علوم الهی بهترین روش‌هایی که با اهداف خلقت و طبیعت انسانی هماهنگ است را به کار می‌برند و در نهایت نیز بهترین نتیجه حاصل می‌شود. در این مقاله تلاش شده است با توجه به سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام و روش‌هایی تربیتی ایشان نکاتی در خصوص تربیت فرزند بیان شود. علت انتخاب سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام این است که ایشان در جایگاه مهم مادری و ارتباط مستقیم با فرزندان بوده و بر این اساس می‌توان نکاتی را به صورت مستقیم از سیره و زندگی ایشان استفاده کرد و به عنوان راهی مطمئن فراروی بانوان قرار داد. در زمینه حیات طیبیه حضرت زهرا علیها السلام، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شده است، اما نکته‌ای که در این پژوهش بر آن تأکید شده، توجه خاص و ویژه به جایگاه مادری ایشان و شیوه فرزندپروری آن حضرت است. در این پژوهش تلاش شده است با همراه کردن نکات علمی و روان‌شناسی، با نگاهی متفاوت، سیره حضرت زهرا علیها السلام به تصویر کشیده شود. باشد که این الگوها و اسوه‌ها از میان کتاب‌ها به درون زندگی مردم راه یابند تا زندگی مردم با عطر و بوی اهل بیت علیهم السلام به سوی سعادت، رهنمون گردد.

## ۱. مفهوم شناسی

### ۱.۱. تربیت

تربیت در لغت از ریشه «رَبَوَ» و به معنای افزودن و رشد و نمو آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ذیل واژه ربو؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه ربو؛ قرشی، ۱۳۷۱، ذیل واژه ربو). علمای علم لغت، «رب» را نیز ریشه تربیت می‌دانند و در برخی موارد معنای متفاوتی برای آن برشمرده‌اند. از جمله اینکه آن را یکی از اسامی خداوند و همچنین به معنای مالک شیء می‌دانند: «الرَّبُّ: يُطْلَقُ عَلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مُعَرَّفًا بِالْأَلِفِ وَاللَّامِ وَمُضَافًا وَيُطْلَقُ عَلَى مَالِكِ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَعْقِلُ مُضَافًا إِلَيْهِ فَيُقَالُ: (رَبُّ الدَّيْنِ) وَ (رَبُّ الْمَالِ)»؛ (فیومی، بی‌تا، ذیل واژه رب؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ذیل واژه رب؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه رب)؛ «رب بر خداوند تبارک و تعالی اطلاق می‌شود در حالی که معرفه و مضاف است و به معنای مالک چیزی است وقتی که به شیء فاقد عقل اضافه می‌شود». گروهی دیگر، تربیت از ریشه رب را چنین معنا کرده‌اند: «التربیة، و هو انشاء الشئ حالا فحالا إلى حدّ التمام» (راغب، ۱۴۱۲؛ قرشی، بی‌تا؛ طریحی، ۱۳۷۵، ذیل واژه رب)؛ تربیت به معنی پرورش است، یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حدّ نهایی و تمام و کمال آن برسد»، اما آنچه می‌توان به عنوان جمع بندی بین این دو معنا بیان کرد، کلامی است که در التحقیق آمده است: «أن الأصل الواحد في هذه المادة سوق شیء الى جهة الكمال ورفع النقائص بالتخلية و التحلية، سواء كان من جهة الذاتيات أو العوارض أو الاعتقادات و المعارف أو الصفات و الأخلاقيات أو الأعمال و الآداب أو العلوم المتداولة، في انسان أو حيوان أو نبات، في كل شیء بحسبه و بحسب ما يقتضى ترفیع منزلته و تکمیل شأنه» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ذیل واژه رب)؛ اصل در این ماده حرکت دادن شیء به سمت کمال و رفع نقایص با خالی کردن و یا زینت کردن است، خواه از ذاتیات باشد یا عرضیات و یا اعتقادات و علوم و صفات و اخلاق و اعمال و آداب و علوم رایج، در انسان باشد یا حیوان و یا گیاه در هر کدام به تناسب خودش و به تناسب آنچه که اقتضای ترفیع و تکمیل جایگاهش است.

در اصطلاح نیز تعاریف مختلفی برای این واژه آمده است: تربیت به معنای انتقال اطلاعات، تجارب، معلومات، مهارت‌ها و باورهای فرهنگی به نسل‌های دیگر است (شعاری نژاد، ۱۳۸۷، صص ۷۷-۷۸). در تعریفی دیگر آمده است که تربیت به معنای ایجاد کردن و یا فعلیت بخشیدن هر نوع

کمالی در انسان است که مطلوبیت و ارزش داشته باشد (ابراهیم زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۹). شهید مطهری نیز تربیت را چنین تعریف می‌کند: «تربیت یعنی پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان» (مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۵۵۲). در توضیح تربیت شهید مطهری آورده است که فن تربیت وقتی گفته می‌شود که منظور، مطلق پرورش باشد به هر شکل. این دیگر تابع غرض ماست که طرف را چگونه و برای چه هدفی پرورش دهیم (همان، ص ۵۷۶). بنا بر این گفته، تربیت زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که متعلق آن مشخص باشد، به این معنا که هدف مربی از تربیت است که به تربیت معنا می‌بخشد. در تعریفی دیگر آمده است که تربیت هرگونه فعالیتی است که معلمان، والدین یا هر شخص دیگری به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد براساس اهداف از پیش تعیین شده انجام می‌دهد (حسینی زاده، ج ۱، ص ۱۳).

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی این واژه می‌توان تعریفی از تربیت بیان کرد که جامع باشد و معنای لغوی و اصطلاحی را در بر بگیرد: «تربیت به معنای رشد و پرورش استعدادهاست که براساس یک برنامه بوده و به منظور اثرگذاری بر فرد صورت بگیرد». با این تعریف هرگونه رفتاری که بر افراد اثرگذار باشد و با هدف اثرگذاری صورت بگیرد، به نوعی تربیت نامیده می‌شود. با در نظر گرفتن این موارد دایره تربیت بسیار وسیع و حساس می‌شود و از طرفی اهمیت آن نیز چندین برابر خواهد بود.

## ۱.۲. سبک زندگی

این تعبیر ترکیبی از «سبک» و «زندگی» است. قسمت مهم این ترکیب مفهوم سبک است. در زبان فارسی سبک به معنای طرز، روش و شیوه (عمید، ۱۳۶۳؛ معین، ۱۳۷۹، ذیل واژه سبک) است. با توجه به این معنا می‌توان گفت معادل واژه «سبک» در عربی «سیره» است.

سیره در لغت از «سیر» آمده است. سیر به معنی رفتن است، اما معنای ای که برای سیره آمده چنین است: حالت و وضع طبیعی (قرشی، ۱۳۷۱، ذیل واژه سیر)؛ سنت؛ روش و هیأت (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه سیر)؛ مذهب روش و کردار (بستانی و مهیار، ۱۳۷۵، ذیل واژه سیر). نکته ای که در مورد سیره باید مورد توجه قرار گیرد این است که وزن «فِعْلَة» در زبان عرب دلالت بر نوع دارد؛ به این معنا که سیره بر نوع رفتار اشاره دارد (عبدالحمید، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۳۳). در فارسی نیز سیرت به معنای سیره است و برای آن علاوه

بر آنچه که در بالا آمده، خلق و خو و عادت نیز آمده است (معین، ۱۳۷۹؛ دهخدا، ۱۳۴۱، ذیل واژه سیرت). در اصطلاح نیز سیره چنین معنا شده است: این واژه، نوع رفتار و سبک و متد و معیار «سیر» را بیان می‌کند (الهامی‌نیا، بی‌تا، ص ۱۱)؛ سیره، سبک و اسلوب و متد خاصی است که افراد صاحب اسلوب و سبک و منطق در سیر خودشان به کار می‌برند؛ (مطهری، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۵۹) سیر یعنی رفتن و رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار (همان، ص ۵۰). بنا بر آنچه در معنای لغوی و اصطلاحی سیره آمده، می‌توان گفت سبک و سیره به معنای روش و نوع رفتار است که به صورت اصول کلی بر زندگی افراد حاکم است. اگرچه شهید مطهری معتقد است که بسیاری از مردم هیچ سبکی در زندگی خود ندارند (مطهری، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۵۰).

## ۲. سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری

در این مجال تلاش شده است به برخی نکات سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام در فرزندپروری در دو بعد امور معنوی و مادی اشاره شود.

### ۲.۱. توجه به امور معنوی

ساختار وجودی انسان‌ها از دو ساحت روح و جسم برخوردار است که هرکدام نیازهای خاص خود را دارد. ماهیت روح و جسم به گونه‌ای به هم تنیده شده‌اند که ایجاد فاصله و جدایی میان آن‌ها ممکن نیست. به این معنا که نمی‌شود نیازهای مادی و جسم را نادیده گرفت و فقط به روح و رفع نیازهای معنوی پرداخت و یا به عکس. امام علی علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «الحسد یضنی الجسد؛ حسد؛ بدن را رنجور سازد» (تمیمی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۱). کلام امام به رابطه میان جسم و روح اشاره دارد، به گونه‌ای که بیماری روحی حسد بر جسم اثر می‌گذارد و آن را رنجور می‌کند. اگر نسبت به هر کدام از این دو ساحت و نیازهای آن‌ها بی‌تفاوت باشیم، نه تنها باعث رشد قسمت مقابل نشده، بلکه سلامت و تعادل آن را نیز برهم می‌زنیم، زیرا این دو ساحت تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند (سالاری‌فرو دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۲؛ عثمان، ۱۳۷۶، صص ۲۰۷-۲۱۵).

استفاده از فرصت‌های معنوی که انسان‌ها در اختیار دارند، امتیاز بزرگی است که برای رفع نیازهای

مادی و معنوی کاربرد دارد. حضرت زهرا علیها السلام از این فرصت به بهترین شکل برای فرزندانمان استفاده می‌کردند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

### ۲،۱،۱. عقیقه برای فرزند

انسان به دلیل محدود بودن به ماده و عدم آگاهی از مسایل ماورای ماده در جهان، دچار ناراحتی‌ها و گرفتاری‌هایی می‌شود که گاه زندگی را برای او ناگوار، خسته‌کننده و حتی آزاردهنده می‌کند. راه جلوگیری از این وضعیت، کسب اطلاعات بیشتر است و البته مهمتر از آن دل سپردن به دستورات خداوند در مسیر بندگی و زندگی است. عمل به واجبات و در کنار آن توجه به مستحبات نیز بسیار کارساز خواهد بود. از جمله این مستحبات، عقیقه برای فرزند تازه مولود است. حضرت زهرا علیها السلام با توجه به آثار روحی و معنوی عقیقه، خود را مقید به انجام آن می‌دانستند و فرزندان خود را از فواید روحانی و الهی آن بهرمنند می‌ساختند. در روایاتی که از زندگی حضرت زهرا علیها السلام نقل شده، آمده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام عَقَّتْ عَنِ الْحُسَيْنِ وَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام؛ فاطمه علیها السلام برای حسن و حسین علیهما السلام عقیقه کردند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۶). توجه ویژه حضرت زهرا علیها السلام به این مهم و اهمیت آن در زندگی و روح و جان کودکان، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که بدانیم با وجود آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای امام حسن و امام حسین علیهما السلام عقیقه قرار داده بودند، ولی حضرت زهرا علیها السلام خود نیز به این کار مبادرت ورزیدند. در این خصوص از امام صادق علیه السلام آمده است: «عَقَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؛ پیامبر برای امام حسن علیه السلام با دست خودش عقیقه کرد» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۳۰). شاهد این مدعا آن است که شیخ حر عاملی در *وسائل الشیعه* با استناد به این موارد، جواز تعدد عقیقه بر یک کودک را استنباط کرده است (همان، ص ۴۴۸).

از این رو مناسب است والدین نیز از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام الگو گرفته و برای سلامت جسم و روح فرزندان که ارزش و اهمیت فراوانی دارد سرمایه گذاری کرده و سرآغاز زندگی آن‌ها را تقرب به خداوند قرار دهند. شاید ظاهر امر، غیر ضروری نماید؛ ولی با توجه به تأکید روایات، استفاده می‌شود که در فرهنگ اسلامی عقیقه از اهمیت بالایی برخوردار است و به تبع، آثار نیک فراوانی را به دنبال دارد. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره اهمیت عقیقه آمده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيقَةِ؛ هر مولودی در گرو عقیقه خود می‌باشد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۸۴). با توجه به این روایت می‌توان



گفت سلامتی جسم و روح نوزاد در گرو این قربانی است. لازم به ذکر است که در این موضوع تا آن جا که از روایات برمی آید، قربانی مختص نوزاد نیست؛ یعنی اگر کسی در کودکی برایش عقیقه نکرده باشند، همچنان سلامتی اش در گرو قربانی است. گاهی اوقات ناراحتی ها و بیماری هایی به سراغ انسان می آید که بسیار پی در پی و آزاردهنده است و به صورت منطقی قابل قبول به نظر نمی رسد، شاید یکی از دلایل آن ندادن عقیقه در کودکی است. در روایت آمده است که فردی از امام صادق علیه السلام می پرسد: «إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَذْرِي كَانَ أَبِي عَقَّ عَنِّي أُمٌّ لَا قَالَ فَأَمَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَعَقَّقْتُ عَنْ نَفْسِي وَأَنَا شَيْخٌ؛ نمی دانم پدرم برایم عقیقه کرده است یا نه. امام فرمودند: برای خود عقیقه کن. من نیز چنین کردم، در حالی که کهنسال بودم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۵). در واقع تأکید امام بر انجام عقیقه در کهنسالی نشان از اهمیت آن دارد. گویا این امر بر دوش انسان باقی است و تا انجام نشود سنگینی آن برداشته نمی شود.

در دعاهایی که برای عقیقه ذکر شده نکاتی وجود دارد که اهمیت آن را در مورد مسایل غیر مادی بیشتر روشن می کند: «اللَّهُمَّ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ لَحْمَهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُّهَا بِدَمِّهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَفَاءً لِأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ خدایا عقیقه است از فلان گوشتش در برابر گوشت او، خونسش در برابر خون او، استخوانش در برابر استخوان او. خدایا قرار بده این قربانی را مایه حفظ آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ «إِذَا ذَبَحْتَ فَقُلْ... الشُّكْرُ لِرِزْقِهِ وَ الْمَعْرِفَةُ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا؛ هنگامی که ذبح می کنی بگو خدایا این قربانی را به شکرانه نعمتی که به ما روزی کردی و به علت شناختی که از فضل تو بر خانواده خود دارم ذبح می کنم» و «لَكَ سُفِكَتِ الدِّمَاءِ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اخْسَأِ الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ؛ خدایا برای تو خون ها ریخته می شود که شریکی نداری و حمد مخصوص پروردگار عالمیان است خدایا شیطان رانده شده را خوار فرما» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۵۶ و ۵۴). مواردی که در این دعاها ذکر شد عبارت است از این که این قربانی فدیة ای است برای فرزند در قبال سلامتی او و دیگر اینکه این قربانی از جانب فرزند است و به نیت او ذبح می شود و نیت آن نزدیکی و توجه به خداوند است. نکته دیگر اینکه در دعا بر عقیقه از خدا خواسته می شود که شیطان را خوار سازد. در واقع عقیقه به نیت سلامت جسم و روح کودک و تقرب کودک به خداوند و دوری شیطان از او صورت می گیرد که این امر از ابتدا در روح کودک اثرگذار بوده و سرمایه سلامت جسم و روح او خواهد بود.



## ۲،۱،۲. صدقه دادن برای فرزند

از دیگر نکاتی که می‌توان از سبک زندگی حضرت زهرا علیها السلام در خصوص تربیت فرزند به آن اشاره کرد، دادن صدقه برای فرزند است. در روایت از امام صادق علیه السلام آمده است: «أَنْ فَاطِمَةَ علیها السلام حَلَقَتْ حَسَنًا وَحُسَيْنًا يَوْمَ سَابِعِهِمَا وَوَزَنَتْ شَعْرَهُمَا فَتَصَدَّقَتْ بِوِزْنِهِ فَضَّةً؛ فَاطِمَةُ علیها السلام در روز هفتم ولادت، موهای سر حسن و حسین علیهما السلام را تراشید و وزن کرد و به همان وزن، نقره صدقه داد» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۱۰). این روایت اشاره به صدقه روز هفتم دارد که از مستحبات مؤکد در مورد فرزند است. در خصوص صدقه در روایات فراوان آمده است که صدقه باعث دفع بلا، بیماری و ناراحتی می‌شود: «الْصَّدَقَةُ تَسْتَدْفِعُ الْبَلَاءَ وَالتَّقَمَةُ؛ صَدَقَةٌ بِلَا وَعَذَابٌ رَا دَفْعَ كَنْدٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۵). «حَصَّنَا أَنْفُسَكُم بِالصَّدَقَةِ؛ جَانِ هَايْ خُودِ رَا بَا صَدَقَةَ حَفْظَ كَنْدٍ» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۳). از این رو دادن صدقه باعث حفظ و ایمنی برای افراد می‌شود. حضرت زهرا علیها السلام نیز به عنوان مادری نگران سلامت جسم و روح فرزندان خود، با دادن صدقه این حفاظ الهی را برای فرزندان خود قرار می‌دهد، زیرا داشتن آرامش خاطر و امنیت تأثیر مستقیمی بر سلامت روحی افراد دارد، البته صدقه و انفاق‌های حضرت زهرا علیها السلام بسیار بوده است، مانند بخشیدن گردنبند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۵۷). صرف نظر از افطاری خود و انفاق به یتیم و اسیر و مسکین و موارد بسیاری که در زندگی ایشان قابل مشاهده است. این بخشش و گذشت‌های آن حضرت، به اندازه‌ای قابل توجه و درخور ستایش است که خداوند آیاتی را به آن اختصاص داده است (ر.ک. مکارم شیرازی و دیگران، ج ۲۵، ص ۳۴۳)، اما آنچه در اینجا مورد نظر است، صدقه حضرت زهرا علیها السلام برای فرزندان است. این کار علاوه بر موارد ذکر شده باعث افزایش محبت بین فرزند و مادر می‌شود و همین امر از نظر روحی باعث آرامش بیشتر برای خانواده خواهد بود.

## ۲،۱،۳. آموزش مسائل عبادی

از جمله مسائلی که از نظر معنوی در زندگی افراد اثرگذار است، توجه به مسائل عبادی است. همان‌گونه که شکل دادن به یک نهال کوچک که در حال رشد است، بسیار آسان و سریع امکان‌پذیر است، آموزش امور عبادی و عادت دادن به انجام آن‌ها نیز در کودکی بسیار آسان‌تر خواهد بود. روح و ذهن کودک مانند زمین خالی است که مهیای رویش است و هر بذری در آن پاشیده شود، به ثمر خواهد نشست. حضرت علی علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أُلْتِيَ فِيهَا

مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ؛ قلب جوان چونان زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود (نهج البلاغه، ۱۴۰۴، ص ۳۹۳). این تشبیه زیبا اشاره به نکاتی در خصوص روحیه کودکان و نوجوانان دارد؛ کودکان به واسطه لطافت روح و پاکی طینت، همچون زمین زراعی مستعدی هستند که آمادگی پذیرش هر چیزی را دارند. چنین زمینی اگر به موقع بذریاشی شود و مراقبت های لازم صورت گیرد، بهترین محصول را خواهد داد، اما همین زمین اگر مورد توجه واقع نشود، به دلیل آمادگی بالا محل رشد علف های هرز خواهد بود. با این توصیف لازم است از زمان خردسالی به کودکان آموزش های لازم داده شود و قبل از این که قلب آن ها خواسته یا ناخواسته گرفتار آلودگی های دیگر شود، سمت و سوی او به سمت فطرت الهی جهت گیری شود.

از آنجا که عبادت همسو با فطرت و طینت انسان است و از سویی کودکان در اطراف خود والدین را به این امر مشغول می بینند، پذیرش این امور نیز برایشان آسان و شیرین خواهد بود. زمانی که مادر خانواده برای عبادت، اهتمام و تلاش ویژه ای دارد، فرزندان شاهد رفتارهای او هستند و به صورت غیر مستقیم تحت تاثیر قرار می گیرند. شاید بتوان گفت اولین گام های آموزش معنوی کودکان از اینجا آغاز می شود. روان شناسان این روش را روش الگوبرداری یا سرمشق گیری می نامند (سیف، ۱۳۹۰، ص ۳۵۲؛ پارسا، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴). به این معنا که فرزندان در مقابل خود رفتارهای مادر را می بینند و با الگوگیری، آن رفتارها را می آموزند.

حضرت زهرا علیها السلام در زندگی شخصی خود جایگاه خاصی برای عبادت قائل بودند. در توصیف عبادت ایشان آمده است: «مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدُ مِنْ فَاطِمَةَ كَأَنَّ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمْ؛ در بین امت اسلام، هیچ کس عابدتر از فاطمه نبود، او آن قدر برای راز و نیاز و نماز خواندن بر روی پاهایش می ایستاد که پاهایش ورم می کرد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۴۱). ایشان علاوه بر اهتمام شخصی به عبادت که نقشی الگویی برای فرزندانشان داشتند، با در نظر گرفتن جوانب تربیتی، اعمال عبادی را به آن ها آموزش می دادند و برای بندگی خدا مهیا می کردند. از بارزترین روایات در این زمینه روایتی از سیره حضرت زهرا علیها السلام در شب قدر است: «كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام لَا تَدْعُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِهَا يَنَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ وَتُدَاوِيهِمْ بِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَتَتَأَهَّبُ لَهَا مِنَ النَّهَارِ وَتَقُولُ مَحْرُومٌ مَنْ حَرِمَ خَيْرَهَا؛ فاطمه علیها السلام رها نمی کرد احدی را از خانواده اش در این شب که بخوابد و علاج می کرد خواب ایشان را به کمی طعام و از روز مهیا می کرد

آن‌ها را برای احیای آن شب (یعنی امر می‌کرد که روز را خواب و استراحت کنند که شب خواب‌شان نبرد) و می‌فرمود: محروم کسی است که از خیر امشب محروم بماند» (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۲) حضرت زهرا علیها السلام. علاوه بر اینکه خود شب را برای احیا بیدار می‌ماندند، فرزندان‌شان را نیز به این کار وامی‌داشتند و آن‌ها را متوجه اهمیت این مهم می‌کردند.

زمانی که در خانه یک برنامه خاص اجرا می‌شود، این کار باعث تحریک حس کنجکاوی کودکان می‌شود و به کسب اطلاعات بیشتر در آن زمینه می‌پردازند. حس کنجکاوی انگیزه درونی برای یادگیری است که در امر آموزش بسیار مؤثر خواهد بود (ریو، ۱۳۸۰، ص ۱۵۱؛ حسینی زاده، ۱۳۸۵، ص ۳۷)؛ زیرا با برانگیخته شدن حس کنجکاوی آمادگی دریافت نیز بالا می‌رود. از طرف دیگر فرزندان با مشاهده تلاش و جدیت والدین، متوجه می‌شوند که مسأله مهمی باعث توجه والدین شده است و ناخودآگاه در ذهنشان به صورت برجسته باقی می‌ماند. همان طور که ما نیز از دوران کودکی خود خاطراتی به یاد داریم که مسایلی به صورت خاص و ویژه در ذهنمان باقی است و دلیل آن توجه فوق‌العاده والدینمان و یا ایجاد شرایط خاص در مورد آن‌هاست. بنابراین می‌توان گفت با توجه به سیره حضرت زهرا علیها السلام برای آموزش عبادی باید اقدامات خاصی انجام داد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

### یک. برنامه ریزی

حضرت زهرا علیها السلام در مورد شب قدر برنامه ریزی می‌کردند. ایجاد شرایط خاص و تدابیر مناسب جهت فراهم آوردن مقدمات، برای انجام یک عمل عبادی به بهترین وجه، این عمل را زیبا و بااهمیت جلوه می‌دهد. در حالیکه بسیاری از خانواده‌ها برای اعمال عبادی برنامه‌ای ندارند. به عنوان نمونه در مورد شب قدر نمی‌توانند شرایط زندگی را به گونه‌ای برنامه ریزی کنند که خود و فرزندان از جهت جسمی و روحی مهیا باشند، زیرا پرداختن به مسایل روزه مره زندگی، آن‌ها را به خود مشغول می‌کند و از اهمیت برنامه ریزی برای این شب مهم غافل می‌شوند.

### دو. تشریح جایگاه و اهمیت اعمال عبادی

در کنار برنامه ریزی و فراهم آوردن مقدمات، لازم است به بیان علت ارزش و اهمیت آن نیز پرداخته شود و به صورت منطقی در مورد آن گفتگو صورت گیرد. در روش تربیتی حضرت زهرا علیها السلام، توجه به این نکته نیز مشهود است. به این معنا که علاوه بر عادت دادن و آموزش باید بینش و فکر کودکان

را نیز ارتقا بخشید و با زبانی قابل فهم برای آن‌ها به بیان دلایل منطقی پیرامون آن پرداخت تا رفتار کودک پشتوانه‌ای قوی از فکر و بینش را به دنبال داشته باشد و صرف یک عمل و از روی عادت نباشد. به نظر می‌رسد این دو یعنی رفتار و گفتار، باید در کنار هم و توأم باهم باشد تا اثرگذار و مفید واقع شود.

#### ۲،۱،۴. پرورش عواطف و احساسات

از دیگر نکاتی که می‌توان در زندگی حضرت به آن اشاره کرد، توجه به عواطف و احساسات انسانی در کودکان است. رشد و پرورش این ویژگی‌ها و اهمیت دادن به آن‌ها، فرزندان را به گونه‌ای از محدوده فرد محوری و مادیات خارج کرده و دنیایی بزرگتر را فراروی آنان قرار می‌دهد. دنیایی که در آن فرد و خواسته‌های او جزئی کوچک هستند و همه چیز به امور مادی ختم نمی‌شود.

#### ۲،۱،۴،۱. حس زیباشناسی

یکی از موارد پرورش عواطف و احساسات، رشد و پرورش حس زیباشناسی در کودکان است. زیبادوستی و زیباخواهی، یکی از ویژگی‌هایی است که به انسان اختصاص دارد. زیبایی‌هایی که انسان مشاهده می‌کند حس زیباشناسی او را اشباع می‌کند (جعفری، بی تا، صص ۱۶۲-۱۷۰). پرورش این حس باعث می‌شود که روح کودکان نسبت به دنیا و موجودات پیرامون خود حساس بوده و با نوعی دقت نظر به اطراف خود بنگرند و در پی آن نسبت به زشتی‌ها منفعل بوده و خود نیز از آن‌ها دوری کرده به دنبال تغییر باشند. در نتیجه از زیبایی‌های محسوس به سمت زیبایی‌های معنوی و الهی حرکت کنند (همان، ص ۲۰۱). از روش‌هایی که می‌توان با آن حس زیباشناسی را تقویت کرد، دوری از زشتی‌ها و پلیدی‌ها است. در واقع بدون دوری از زشتی‌ها و پلیدی‌ها نمی‌توان به زیبایی رسید (همان، ص ۲۰۲). سرآغاز این امر از خانه و خانواده شروع می‌شود. به این معنا که مادر در خانه به نظافت و تمیزی اهمیت داده و آن را برای کودکان باارزش جلوه دهد. در این حالت فرزندان نیز در مقابل خود زیبایی را مشاهده می‌کنند و با آن خو می‌گیرند و از پلیدی منجر می‌شوند. حضرت زهرا علیها السلام در زندگی و خانه خود به این امور توجه داشتند و خود به انجام آن‌ها می‌پرداختند. حضرت علی علیه السلام در این زمینه درباره حضرت فاطمه علیها السلام می‌فرماید: «كَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابَهَا؛ به قدری خانه را جارو می‌کرد که گرد و خاک، لباس‌هایش را غبارآلود می‌نمود» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۶۷). اقدام دیگری که در این زمینه در زندگی حضرت زهرا علیها السلام مشاهده می‌شود، توجه به زینت فرزندان است

که به نوعی آن‌ها را به سمت زیبایی هدایت می‌کند: «آن فاطمه حلت الحسن و الحسین؛ فاطمه علیها السلام حسن و حسین علیهم السلام را می‌آراست.» (بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۱۷۴) این کار نیز علاوه بر نشاط روحی که برای فرزندان به دنبال دارد، حس زیباشناسی آن‌ها را نیز تقویت می‌کرد.

## ۲،۱،۴،۲. حس نوع دوستی و همدردی

از دیگر مواردی که می‌توان در زمینه پرورش عواطف به آن اشاره کرد، آموزش همدردی با دیگران و توجه به خواسته‌ها و نیازهای دیگران، بخصوص افراد ضعیف و نیازمند است. این احساسات و عواطف نسبت به دیگران که در روان‌شناسی اجتماعی از آن به رفتار حمایتی تعبیر می‌شود، چنین تعریف شده است: «رفتاری است که به قصد کمک کردن به دیگران، تنها بخاطر نوع دوستی و نه به منظور رسیدن به منفعت خاصی انجام می‌شود» (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۳۳۳). این تعریف از نوع دوستی به این نکته اشاره دارد که کمک به دیگران اگر برای رسیدن به منفعت‌های شخصی و مادی باشد، نوع دوستی محسوب نمی‌شود و در صورتی که به نیت نزدیکی به خداوند و نیاتی در این راستا باشد، مانند سایر اعمال عبادی، مورد قبول خداوند خواهد بود. روایات زیادی از زندگی حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد که به صورت عملی به فرزندان خود آموزش می‌دادند که باید به نیازمندان یاری رسانند و قبل از خود به فکر دیگران بوده و هم‌نوعان را بر خود مقدم دارند.

از جمله این موارد می‌توان به ماجرای اشاره کرد که امام حسن علیه السلام نقل کرده‌اند:

«رَأَيْتُ أُمَّيَ فَاطِمَةَ علیها السلام قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى اتَّصَحَّ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تَسْمِيَهُمْ وَ تُكثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ هَذَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ فَقَالَتْ يَا بُنَيَّ الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۶۸)؛

مادرم فاطمه علیها السلام را در شب جمعه دیدم که در محراب ایستاده بود و پیوسته رکوع و سجود می‌کرد تا عمود صبح ظاهر شد و شنیدم که مؤمنین و مؤمنات را دعا می‌فرمود و نام می‌برد و ایشان را دعای بسیار کرد و برای خود هیچ دعا نکرد. به مادر گفتم که چرا برای خود هیچ دعا نفرمودی همچنان که برای غیر دعا می‌فرمودی؟ گفت: ای پسر کوچکم، اول همسایه بعد از آن خانه.»

ایشان عملاً نوع دوستی را به فرزندان خود آموزش می دادند و از کودکی این حس را در آن ها شکوفا می کردند. در گزارشی دیگر آمده است که پیرمردی به خانۀ حضرت مراجعه و ابراز نیاز کرد و ایشان با وجود اینکه خود نیز در تنگ دستی به سر می بردند، با دادن هدیه او را خوشحال و راضی نمود (ر.ک. مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۵۶).

همان گونه که یاد شد، زندگی حضرت زهرا علیها السلام مملو از انفاق ها و ایثارهاست، آن هم نه در شرایطی که خود در رفاه مادی باشد و از سربنی نیازی به دیگران ببخشد، بلکه شرایط زندگی خودشان مناسب و مهیا نبود و در عین حال به انفاق در راه خدا اقدام می کردند. این رفتارها در مقابل دیدگان فرزندان است و آن ها با دیده جان می نگرند و در ضمیرشان ثبت شده و روح آن ها را تحت تاثیر خود قرار می دهند تا آنجا که آن ها نیز به تکرار رفتار والدین خود می پردازند. شاهد این مدعا شأن نزول سوره انسان است که امام حسن و امام حسین علیهما السلام به همراه حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام افطاری خود را انفاق می کنند. قطعاً در این ماجرا اجباری از جانب والدین برای انفاق نبود و فرزندان از روی اختیار چنین رفتاری را انجام دادند. در این ماجرا رفتار والدین تاثیرگذار و درس آموز بوده و انگیزۀ رفتار کودکان را دوجندان کرده است. تکرار این امور باعث رشد عواطف و احساسات کودک می شود، به گونه ای که او در دنیایی که منافع شخصی خط قرمز افراد است، با دیدی فرافردی به دیگران و دنیای پیرامون خود می نگرد.

در ادامه به مواردی که توجه به نیازهای مادی فرزندان را نشان می دهد، اشاره می شود.

## ۲.۲. توجه به نیازهای مادی

انجام امور روزمره فرزندان و توجه به برآورده کردن نیازهای آنان برای حضرت زهرا علیها السلام، از اولویت های زندگی محسوب می شد و هرگاه بین رسیدگی به فرزندان و کارهای دیگر مخیر بودند، همراهی با فرزندان را بر می گزیدند. در روایتی آمده است:

«أَنَّ سَلْمَانَ قَالَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ جَالِسَةً فُذِّمَتْهَا رَحَى تَطْحَنُ بِهَا الشَّعِيرَ وَعَلَى عَمُودِ الرَّحَى دَمٌ سَائِلٌ وَالْحُسَيْنُ فِي نَاحِيَةِ الدَّارِ يَبْكِي... قَالَ سَلْمَانُ إِنِّي مَوْلَى عَتَاقَةٍ إِذَا أَنْ أَطْحَنَ الشَّعِيرَ أَوْ أُسَكِّتَ لِكَ الْحُسَيْنِ فَقَالَتْ أَنَا بِتَسْكِيْتِهِ أَزْفُقُ وَأَنْتَ تَطْحَنُ

الشَّعِيرَ (قطب راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۳۰)؛

سلمان فارسی می‌گوید: فاطمه علیها السلام نشسته بود. دستاسی در مقابلش قرار داشت که با آن جو آسیاب می‌کرد. از دسته آن دستاس، خون جاری بود و حسین علیه السلام در یک گوشه خانه می‌گریست. سلمان گفت: من بنده آزادشده‌ای هستم. اجازه بده یا جو آسیاب کنم و یا حسین علیه السلام را برای شما ساکت نمایم. فاطمه علیها السلام فرمود: من برای ساکت کردن بچه بهتر هستم و تو جو را آسیاب کن.»

این کلام آن حضرت نگاه دقیق و تخصصی ایشان را بیان می‌کند که کودک نیاز به توجه و مراقبت مستقیم مادر دارد و این‌گونه نیست که هرکسی صلاحیت این کار را داشته باشد. در واقع مراقبت از کودک تنها به معنای رفع نیازهای مادی او نیست تا هرکس از عهده آن بر بیاید، بلکه علاوه بر مهارت، عاطفه و رابطهٔ مادری را نیاز دارد تا بداند در هر حالتی چگونه باید نیاز کودک تأمین شود. شاید بتوان گفت در برخی موارد پدر هم نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته است از کودک نگهداری کند، زیرا حس مادری و رابطهٔ روحی بین کودک و مادر و دقت نظر در تأمین نیازهای کودک، از نکاتی است که به صورت انحصاری در اختیار مادر است، از این رو توجه مستقیم مادر به کودک، به این معنا که شخصا به رفع حوائج و تعامل با او بپردازد، از مهمترین امور مادی و البته معنوی کودک است. در ادامه به دو نمونه از نیازهای مادی کودک اشاره می‌شود.

### ۲،۲،۱. تغذیهٔ کودکان

رابطهٔ نزدیک و به هم پیوستهٔ روح و جسم ایجاب می‌کند که برای سلامت و سعادت کودکان به نیازهای جسمی و روحی به صورت همزمان و متناسب پاسخ داده شود. در واقع نمی‌توان با قاطعیت گفت که کدامیک از این نیازها بر دیگری برتری دارد، زیرا زمانی که مادر با مهربانی تمام به کودک خود غذا می‌دهد، در ظاهر به نیاز جسمی و مادی کودک پاسخ می‌دهد، ولی روح او نیز در کنار جسم، از محبت مادر سیراب می‌شود. یکی از مهمترین امور مادی فرزندان، رسیدگی به تغذیهٔ آن‌هاست. تغذیه از بدو تولد کودک مورد توجه و اهمیت است، از این رو خداوند کامل‌ترین غذا را برای کودکان در شیر مادر قرار داده است. حضرت زهرا علیها السلام نیز مادرانه فرزندان خود را از این نعمت الهی بهرمنند می‌کردند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى فَاطِمَةَ وَ



عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ ثَلَاثَةِ الْإِبِلِ وَهِيَ تَطْحَنُ بَيْدَهَا وَتُرْضِعُ وَلَدَهَا؛ پیغمبر وارد خانه فاطمه علیها السلام شد، ایشان جامه‌ای از موی شتر به تن داشت و جو آسیاب می‌کرد و بچه را نیز شیر می‌داد.» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۷) این روایت تصویری از زندگی حضرت زهرا علیها السلام را نشان می‌دهد که علاوه بر کار خانه، از مهمترین مسؤولیت مادری که شیردادن فرزند است غفلت نمی‌کردند. شاید اگر این صفحات زرین تاریخ برای مادران بازگو شود، عزم آن‌ها را برای انجام مسؤولیت خود در برابر فرزندان، بیشتر کند و با انگیزه بیشتر و با نگاهی محترمانه تر به آن بنگرند. حضرت زهرا علیها السلام با عشق مادرانه، به غذا و خوراک فرزندان خود توجه داشتند. آسیاب کردن گندم و جو برای تهیه غذا نشان از این دارد که ایشان شخصا برای خانواده و فرزندان خود به فراهم کردن مقدمات و تهیه غذا می‌پرداختند. توجه به تغذیه و تهیه غذای کودکان از سوی مادر نتایج مفیدی به دنبال دارد. اولین و مهمترین نکته این است که مادر با درایت، متناسب با نیاز فرزند به تهیه غذا می‌پردازد و از طرفی از مواد اولیه سالم و مورد اطمینان استفاده می‌کند، بنابراین سلامت بیشتری برای فرزندان حاصل می‌شود. نکته دیگر اینکه انرژی مثبتی که مادر هنگام طبخ، به غذا منتقل می‌کند، به فرزند و سایر اعضای خانواده منتقل می‌شود و همین امر سرزندگی و شادابی بیشتری را به آن‌ها می‌دهد.

شاید برخی با مطالعه این روایات تصور کنند که حضرت زهرا علیها السلام با داشتن جایگاه معنوی خاص، اگر به عبادت می‌پرداختند مناسب تر بود، ولی رفتار ایشان نشان از اهمیت توجه مادر به کودک دارد و تذکر و توجهی برای بانوان است که به هر دلیل از انجام این کار سرباز می‌زنند. زندگی سرور زنان عالم به ما می‌آموزد که برای تربیت فرزند و رسیدگی به او، هیچ چیز نمی‌تواند مانع باشد حتی واجبات. می‌توان بین واجبات و تربیت فرزند جمع کرده و هر دو را انجام داد؛ یعنی هیچیک نباید فدای دیگری شود، زیرا هر دو از وظایف مهم مادر است. از این نکته نیز نباید غافل شد که هیچ کاری مانع رسیدگی به فرزند نیست و خداوندی که تربیت فرزند را وظیفه مادر قرار داده، سایر واجبات را هم وضع کرده و بدون تردید این دو را به گونه‌ای طراحی کرده است که باهم در تعارض نباشند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ كَأَنَّ تَمْضِعَ لِلْحَسَنِ ثُمَّ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَهِيَ صَائِمَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فاطمه علیها السلام غذا می‌جوید برای حسن علیه السلام، سپس برای حسین علیه السلام؛ در حالی که در ماه رمضان روزه بود» (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۹۰). این روایت نیز اشاره به این دارد که

ایشان در حال عبادت و روزه داری نیز از توجه به فرزندان غافل نمی شدند و در حین عبادت، به وظیفه مادری خود و برآورده کردن نیازهای آنان می پرداختند. حال مادرانی که با کوچک ترین بهانه خود را از وظایف مادری معاف می کنند، باید بازنگری در رفتار خود داشته باشند و به دنبال راهی باشند که هم به وظیفه مادری خود عمل کنند و هم سایر برنامه های خود را اجرا نمایند.

## ۲،۲،۲. بازی با کودکان

یکی از اساسی ترین نیازهای کودکان نیاز به بازی و سرگرمی است. کودکان در بازی های خود دنیای بزرگسالی را تجربه کرده و خود را برای ورود به آن آماده می کنند. مطالعات در این زمینه نشان می دهد که بازی کودکان با یکدیگر به آن ها کمک می کند تا نحوه همکاری با سایر کودکان را فراگیرند و از دیدگاه خودمحرورانه خویش فراتر روند (ر.ک. هیوز، ۱۳۸۷، ص ۳۲۴). در واقع آن ها در بازی های خود زندگی می کنند و زندگیشان در بازی هایشان رقم می خورد. روان شناسان معتقدند که بازی اجتماعی (بازی کودک با فرد دیگر)، به طور کلی و در بسیاری از حیطه های خاص اجتماعی شدن سودمند است. تمرکز بر قواعد بازی، آن ها را آگاه می کند که همه تعامل های اجتماعی پیرو قواعد معینی هستند (همان، ص ۲۹۹)، از این رو نباید از بازی فرزند غافل بود و حتی باید با آن ها هم بازی شد و به بازی های آن ها نیز سمت و سو بخشید تا استفاده صحیحی از آن ببرند.

حضرت زهرا علیها السلام به این نکته هم توجه داشتند و با کودکان خود بازی می کردند و وارد دنیای کودکان می شدند. در روایتی آمده است که روزی ایشان با امام حسن علیه السلام بازی می کردند و او را بالا و پایین می انداختند و برایش شعر می خواندند:

أَشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ      وَ أَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنُ  
وَ اعْبُدْ إِيَّاهُ ذَا مَنِّ      وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِحْنِ

«حسن جان، همچون پدرت باش و ریسمان (ظلم و ستم) را از (گردن) حق بر کن. خداوند مٔان را پرستش نما و کینه توز و حق ستیز را به دوستی مگیر.»

و در بازی با فرزند خود حسین علیه السلام می خواندند:

أَنْتَ شَبِيهُ أَبِي      لَسْتُ شَبِيهَا بَعْلِي

تو بیش از پدرت علی، به پدرم [رسول الله] شباهت داری (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۸۹).

از این سیره حضرت می توان دریافت که مفاهیم دینی و اخلاقی را باید با زبانی کودکانه و در شرایط دلپذیر به کودکان آموخت تا مؤثر واقع شود و ماندگاری آن نیز بیشتر باشد. القای این مفاهیم از سوی مادر زمانی تأثیر دوچندانی دارد که کودک در حین بازی این مفاهیم را دریافت کند، البته نباید از تاثیرگذاری شعر نیز غافل بود. در واقع زمانی که مطالبی دقیق با زبانی شیرین و در هنگام بازی و از طریق مهربان ترین و مهمترین فرد زندگی کودک، یعنی مادر، به او القا می شود، شرایط مناسبی را برای آموزش فراهم می آورد که پذیرش از سوی کودک را بالا می برد. با استفاده از این سیره می توان علاوه بر شرکت در بازی کودکان و همراهی با آن ها، از فرصت های آموزشی که در هنگام بازی به وجود می آید به خوبی استفاده کرد و علاوه بر نظارت، از اینکه بازی منجر به خشونت یا رفتارهای نابهنجار شود، جلوگیری کرد.

### نتیجه گیری

از سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در تربیت کودک، روشن می شود که جایگاه مادر علاوه بر تربیت کودک در بعد جسمی، در سایر ابعاد عبادی، عاطفی و فرهنگی و ... نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، چراکه ریشه و اساس هر گونه آموزش در خانه و دامن مادر است. حضرت زهرا علیها السلام هر چند دوران زندگی کوتاهی داشتند، اما به صورت کامل و جامع بر مدار حق و حقیقت زندگی می کردند، از این رو زندگی پرباری و سیره تربیتی ایشان برای انسان های حق طلب، به عنوان سبک زندگی موفق مطرح است. سبک زندگی آن حضرت در تربیت فرزند سبکی کامل و جامع بود و الگوگیری از آن می تواند ما را در تربیت نسلی خداجو و حقیقت طلب یاری کند.

توجه به نیازهای معنوی از بستر عقیده برای فرزند، صدقه دادن برای فرزند، آموزش مسائل عبادی با برنامه ریزی و تشریح جایگاه و اهمیت اعمال عبادی، پرورش عواطف و احساسات در سایه توجه به حس زیباشناسی و حس نوع دوستی و همدردی و توجه به نیازهای مادی با عنایت به تغذیه و بازی کودکان، از مهمترین جلوه های سیره تربیتی حضرت زهرا علیها السلام در پرورش فرزندان است که تبیین آن در این نوشتار گذشت.

## فهرست منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت، چاپ دوازدهم، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۲.
۲. الهامی نیا، علی اصغر، سیره اخلاقی تربیتی امام خمینی (ره)، [بی نا]: [بی جا]، [بی تا].
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، قم: کتابخانه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۳۸۵ق.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۶. ابن منظور، محمد، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۸. آذربایجانی، مسعود و همکاران، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ سوم، قم: سمت، ۱۳۸۷.
۹. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، قم: مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۱۳ق.
۱۰. بستانی، فؤاد افراهم و مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۱. پارسا، محمد، روان شناسی تربیتی، چاپ چهارم، تهران: مهارت، ۱۳۷۶.
۱۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، ۱۳۶۶.
۱۳. جعفری، محمد تقی، زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام، بی جا: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، بی تا.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۵. \_\_\_\_\_، هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیه السلام، مشهد: آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۶. حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت، نگرشی برآموزش با تاکید برآموزش دینی، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۱۷. \_\_\_\_\_، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیه السلام در تربیت فرزند، چاپ ششم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۱.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین، المفردات، دمشق و بیروت: دار العلم الدار الشیعه، ۱۴۱۲.
۲۰. ریو، جان مارشال، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سید محمدی، چاپ سوم، تهران: نشر ویرایش، ۱۳۸۰.
۲۱. سالاری فر، محمد، و دیگران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۲۲. سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتاردرمانی، نظریه ها و روش ها، چاپ پانزدهم، تهران: دوران، ۱۳۹۰.
۲۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (صبحی صالح) محقق صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۰۴ق.
۲۴. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی تربیت و تدریس، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵.

۲۶. \_\_\_\_\_ ، *عیون أخبار الرضا عليه السلام*، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۲۷. \_\_\_\_\_ ، *من لا يحضره الفقيه*، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه ۱۴۱۳ق.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۳۰. عبدالحمید، محمد محی الدین، *شرح ابن عقیل*، چاپ هفتم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۸۲.
۳۱. عثمان، عبدالکریم، *روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، ترجمه سید محمد باقر حجتی، چاپ نهم، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶.
۳۲. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۳۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین (چ قدیم)*، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۳۴. فراهیدی، خلیل، *العین*، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۳۵. فیومی، احمد بن محمد، *مصباح المنیر*، بی جا، بی تا.
۳۶. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱.
۳۷. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج و الجرائح*، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ق.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، بی تا.
۳۹. لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۴۰. \_\_\_\_\_ ، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۴۱. مجلسی، محمد باقر، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
۴۲. \_\_\_\_\_ ، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۴۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، قم: انتشارات صدرا، بی تا.
۴۵. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، چاپ پانزدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴.
۴۷. هلالی، سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس الهمالی*، قم: بی نا، ۱۴۰۵ق.
۴۸. هیوز، فرگاس پیتر، *روان شناسی بازی (کودکان، بازی و رشد)*، ترجمه کامران گنجی، چاپ دوم، بی جا: رشد، ۱۳۸۷.